**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه دوم\_2 مهر 1398**

کلام در مقدمات انسداد بود هم از نظر جناب شیخ و هم مرحوم آخوند و نیز همه کسانی که میخواهند انسداد را توضیح دهند، چه قائلین به انسداد، و چه مخالفین،

مهمترین و اصلی ترین مقدمه همان مقدمه اول جناب شیخ است که مقدمه دوم کفایه بود و آن این بود که باید انسدادی ثابت کند که باب علم و علمی در معظم تکالیف فقهیه منسد است.

مقدمه دوی که شیخ مفصل تر بیان کرده است و مرحوم آخوند علی نحو الاقتصار این است که شما اگر راهی به نام اعتبار مطلق ظن را قبول نکنید یا باید در بسیاری از مسائل فقهیه خودتان را بی حکم بدانید که عملا مکلف بشود کالبهائم و الاطفال یا یک حکم کلی کنید و آ ن اصالة العدم است بگویید غیر از مواردی که یقین داریم، غیر از مواردی که نادرند، ظن خاصی داریم، حکم ما عدم است. فرق بین این دو چیست؟ اولی می گویید ما حکمی نداریم و این جا می گویید حکم ما عدم است.

این مقدمه دوم انسداد طبق بیان شیخ.

اما مقدمه سوم این است که اگر شما بخواهید فقط به موارد قطعی عمل کنید و موارد نادر نادر از ظنون خاص است و مطلق ظن را حجت نکنید یا باید در همه مواردی که شک می کنید و حکم را نمی دانید احتیاط کنید، حکم به احتیاط کلی یا بگویید در هر مساله ایی، اصل مربوط به همان مساله. وسائل الشیعه را ببندید و فقط فقهی بر پایه اصول عملیه بنویسیم. یا باید ان را بگوییم یا باید این مجتهد انسدادی را بگویید مقلد مجتهد انفتاحی شد.

اما مقدمه چهارم؛ اگر به ظنون عمل نمی کنید، ناچارید سراغ موهومات بروید و این می شود ترجیح المرجوح علی الراجح. این هم قابل قبول نیست.

این چهار مقدمه مشترک بین این دو بزگوار است اما مرحوم آخوند یک مقدمه دارد و ان را اول قرار دارد

انّه یعلم اجمالا بثبوت تکالیف کثیرة فعلیه فی الشریعة.

ما می دانیم که دین و شریعت تکالیفی دارد ولو بعضی از تکالیف را تفصیلا نمی دانیم ولی می دانیم شارع واجب ها و حرام هایی دارد که این ها فعلی هم هست.

خود آقای آخوند بعد از اینکه 5مقدمه خود را بیان می کند می فرماید اما المقدمة الاولی فهی و ان کانت بدیهیه.

حال عرض ما این است که شیخ این را جز مقدمات انسداد نیاورده است و اقای آخوند اورده است آیا شیخ این مطلب را منکر است یا نه چون این معلوم و واضح بوده است، بحثی ازش نکرده است؟

شما ببنید شیخ درمقدمه سوم فرمود ما نمی توانیم مثل بهائم و اطفال باشیم که این همان مقدمه آخوند است. پس خیال نشود که شیخ یک مقدمه را به مقدمیت قبول دارد. نه شیخ آن را قبول دارد.

این را از این جهت عرض کردم که گاهی می شنویم می گویند این مقدمات و نظر این دو بزرگوار مختلف است. نه این همان است فقط آخوند این را تفصیل داده است.

حال که تعداد مقدمات انسداد روشن شد بیاییم سراغ مقدمه اول شیخ و ان اینکه باب علم و علمی به معظم مسائل فقهیه مسدود است.

مرحوم شیخ خیلی لطیف وارد بحث مقدمه اول می شود، مقدمات بعدی که به تصریخ خود شیخ اهمیت به اندازه این مقدمه اول نیست، آن ها را مفصل تر وارد می شود و تصریح می کند این مقدمه مهمترین مقدمه انسداد است اما این جا خیلی گذرا رد می شود این علامت سوال برای شما باید ایجاد می کند که چرا در مورد اصلی ترین مقدمه سریع رد می شود اما بقیه مقدمات که به این درجه از اهمیت نیست توقف می کند

می فرماید اما المقدمة الاولی نسبت به انسداد باب علم ما بحثی نداریم و این را همه می گویند و انفتاحی ها هم همین را می گویند. اینکه باب علم و یقین بسته است این را کسی منکر نیست مهم این است که باب علمی و ظن خاص بسته است یا بسته نیست.

اما بالنسبة الی انسداد باب الظن الخاص فهی مبنیة علی ان لا یثبت من الادلة المتقدمة لحجیة خبر الواحد، حجیة مقدار منه یفی بضمیمه ادله العلمیه و باقی الظنون الخاصة باثبات معظم احکام الشرعیه

این که آیا باب علمی و ظن خاص مسدود است یا نه؟ مسدود بودنش متوقف بر این است که بگوییم ظنون خاصة و ادله علمیه به اندازه ایی نیست که معظم احکام فقهیه را پاسخگو باشند اما اگر در بحث خبر واحد گفتیم که خبر واحد به ضمیمه ظنون خاصه دیگر مثل اجماع طبق یک نظر و به ضمیمه ادله علم آور معظم احکام فقهیه را پاسخگو است اگر این را گفتیم مقدمه اول دیگر ناتمام خواهد بود به عبارت اخری اگر همین روایات موجوده در کتب اربعه و امثال این ها به ضمیمه اجماعات وشهرت ها و نیز به ضمیمه ادله علمیه 90 درصد فقه شما را پاسخگو بود دیگر نمی توانیم بگوییم باب علمی مسدود است و هیچ مشکلی در آن 10 در صد نداریم. چون یا در ان 10درصد احتیاطی می شویم و یا برائت جاری می کنیم و یا اصول دیگر. مشکل آنجا بود که در 90 در صد بخواهید احتیاط جاری کنید اما اگر ما ثابت کردیم که عمده فقه با همین ادله ظنی خاص پاسخگو هستیم دیگر مشکلی نداریم. کسی که میخواهد این جا انفتاحی بشود دو گردنه را باید رد کند، یکی اینکه تکلیف خودش با ادله حجیت خبر واحد درست کند که آیا از این ادله حجیت خبر ثقه استفاده می شود یا خبر موثوق الصدور؟ فرق خواهد کرد. دوم اینکه آیا نسبت به انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر چه خواهد کفت.

تعبیر آقای شیخ این است:

فتلسم هذه المقدمه و منعها لا یظهر الا بعد التامل التام و بذل الجحد فی النظر فی ما تقدم من ادلة حجیة الخبر وانه هل یثبت بهذا الادلة حجیة مقدار الوافی من الخبر ام لا و هذه هی عمده مقدمات انسداد، بلکه عده ایی گفته اند همین یک مقدمه برای انسداد کافی است.

این همه جواب شیخ از این مقدمه مهم. خب اقای شیخ آیا مقدار کافی داریم روایت و دلیل یا نه؟ سکوت کرده است ایشان.

البته من به این سکوت اکتفا نمی کنم باید برویم آنجاهایی که شیخ اعظم خبر واحد را بحث کرده است بالاخره نسبت به خبر واحد نظرش چیست؟ تا ان نکات استخراج نشود از لابلای حرف های شیخ.

سِر این سکوت واصح نمی شود. اگر کسی نسبت می دهدتمایل انسداد با به شیخ، قبول دارد بعضی از کلمات شیخ انسدادی ندارد اما می خواهد جمع بندی کند که ان چیزی که نظر نهایی این بزرگوار است چیست؟ حال باید مباحث قبل را ببینیم چه فرموده و به ضمیمه ان ها سوال را جواب بدهیم.

آقای آخوند می فرماید:

و اما المقدمة الثانیة فاما بالنسبة الی العلم فهی بالنسبة الی امثال زماننا بینة وجدانیة یعرف الانسداد کل من تعرض للاستنباط و الاجتهاد واما بالنسبة الی العلمی فالظاهر انها غیر ثابة لما عرفتَ من نهوذ الادلة علی حجیة خبرٍ یوثق بصدقه و هو بحمد الله وافٍ بمعظم الفقه لا سیما بضمیمة ما علم تفصیلا منها کما لا یخفی

یعنی شما ان مواردی را که ما قطع و یقین داریم به اضافه اخباری که در دست ما هست که وثوق به صدقش داریم معیار قرار بدهید وافٍ بحمدالله در معظم فقه. پس نگویید در معظم فقه انسداد باب علم و علمی هست. این هم نظر آخوند.

برای جلسه آینده برگردید به عقب و ادله حجیت خبر واحد را از نظر شیخ بررسی کنید ببنید شیخ بالاخره چه نوع خبری را می خواهد بگوید این مدرک واقع می شود و دیگر این که اواخر بحث حجیت خبر واحد بحث انحلال علم اجمالی کبیر به علم اجمالی صغیر ان را هم ملاحظه کنید که بحث چند جلسه آینده ما همین خواهد بود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.